



متون حقوقی (۱)

استاد: آقای دکتر امیر حسین نوریان



۱۳۹۳-۱۳۹۴

رسول رافقی اهری

rasoul_rafati@live.com

نظام حقوقی انگلستان

نظام حقوقی انگلستان در ولز نیز اعمال شده و اغلب به دقت در ایرلند شمالی متابعت می‌شود. این نظام دارای دو نوع حقوق است:

أ) **کامن لا:** {کامن لا عبارت از} اصول اساسی حقوق است که در دعوی گذشته (رویه قضایی) که مجلس قواعد یا قوانین خاصی مقرر نکرده، بکار رفته است. وجود کامن لا بدین معنی است که به هنگام پیش آمدن یک پرونده متفاوت {با پرونده‌های قبلی} قاضی مجبور نیست به {مصوبات} مجلس رجوع کند؛ بلکه به جای آن، در سابق قضایی (پرونده‌های قبلی از نوع مشابه) و اصول کلی کنکاش به عمل می‌آورد؛

ب) **حقوق موضوعه:** {حقوق موضوعه عبارت از} قوانین خاصی است که تحت عنوان قوانین مجلس به تصویب رسیده‌اند. حقوق موضوعه کامن لا اولویت می‌یابد تا جایی که پرونده‌های تحت بررسی {را هم} در بر می‌گیرد. در صورتی که حقوق موضوعه راه حل معینی ارائه ندهد، (برای مثال در نوع جدیدی از دعوی که در زمان تصویب قانون پیش‌بینی نشده است) قضات، کامن لا را اعمال می‌کنند {و در این راستا} تا جای ممکن تلاش می‌کنند تا آنچه را که تصور می‌کنند مجلس در صورت آگاهی از پرونده تحت رسیدگی، از آنان طلب می‌کرد، انجام دهند.

این نظام حقوقی قدرت زیادی به قضات اعطا می‌کند. با این حال دست آنها کاملاً باز نیست. آنها همواره مقید به آرای دادگاه‌های مهمتر از خود و قدرتمندترین دادگاه کشور که مجلس است، می‌باشند. قضات لازم نیست همان حکمی را که دادگاه بالاتر داده است صادر کنند. این امر، قاعده بسیار مبهمی بوده و منجر به آرای نا مطلوبی خواهد شد. {اما} به هر حال قضات باید قانون را به همان طریق اعمال نموده و استدلال دادگاه بالاتر را در بررسی خود نسبت به پرونده، اتخاذ نمایند.

{حقوق} مدنی و جزا

تقسیم دو گانه دیگری از حقوق انگلستان به حقوق مدنی و جزا وجود دارد. این دو شاخه {حقوق} نام خود را به دو نوع دادگاه اعطا می‌کنند: دادگاه‌های مدنی و دادگاه‌های جزایی. تفاوت اساسی میان حقوق مدنی و جزا در این نهفته است که به چه کسی باید به عنوان طرف زیان دیده نگریست. برخی از جرایم چنان شدیداند که علیه کل جامعه تلقی می‌شوند. این جرایم، جرایم جنایی نامیده شده و شامل جرایمی همچون ایجاد حریق عمدی، قتل عمد، سرقت، تجاوز به عنف و نیز جرایم مربوط به وسایل نقلیه می‌باشند. بر اساس قانون گذاری اخیر، حقوق جزا، بهداشت و امنیت کاری و سایر حقوق مربوط صنعتی را نیز در بر می‌گیرد. پرونده‌های {جزایی} در دادگاه‌های کیفری مورد رسیدگی واقع می‌شوند، جائیکه متهم توسط دادگاه شاهی تحت پیگرد قرار گرفته و بدینسان مقصر یا بیگناه تشخیص داده می‌شود.

حقوق مدنی پرونده‌های تعارض منفعت میان دو شخص را که متضمن منافع عمومی یا جامعه بطور کلی نباشد در بر می‌گیرد. جرایم مدنی شامل نقص قرارداد، طلاق، تجاوز به ملک و غیره می‌شود. و در قسمت صنعتی در بر گیرنده برخی قوانین ضد تبعیض و حمایت استخدامی است. پرونده‌های {مدنی} در دادگاه‌های حقوقی که خواهان علیه خواننده اقامه دعوی می‌کند رسیدگی شده و بدین ترتیب خواننده مسئول یا بری شناخته می‌شود.

محاکم کیفری

دادگاه‌های جزایی دارای سلسله مراتبی هستند: دادگاه صلح، دادگاه شاهی، دادگاه استیناف و مجلس اعیان.

محاکم صلح پائین ترین دادگاه‌های جزایی هستند. جرایم کم اهمیت جزایی در آنجا به وسیلهٔ مجسرتیت‌ها (قضات صلح) که از افراد محترم جوامع محلی بوده و فاقد تعلیمات حقوقی می‌باشند مورد رسیدگی واقع می‌شوند. گاهی مجسرتیت‌ها بنام جی‌پ‌اس (قاضی صلح) شناخته شده و نمی‌توانند به تنهایی به پرونده‌ها رسیدگی کنند گرچه در بعضی شهرها قضات صلح قانوناً واجد شرایطی وجود دارند که تمام وقت و حقوق بگیر بوده و می‌توانند به تنهایی رأی صادر کنند.

پرونده‌های مورد رسیدگی در محاکم صلح بر سه نوعند:

(الف) جرایم کم اهمیت جزایی که نیازی به هیئت منصفه ندارند. این پرونده‌ها بنام **دادرسی اختصاصی**

شناخته می‌شوند زیرا جرمی که نیازی به محاکمه توسط هیئت منصفه ندارد یک **جرم اختصاصی** است.

(ب) رسیدگی بدوی به جرایم کیفری مهمی که نیاز به محاکمه در حضور هیئت منصفه دارند. این پرونده‌ها بنام رسیدگی انتقالی (ارسالی) شناخته می‌شوند، زیرا اگر پیگرد کیفری، یک دعوی تلقی گردد، قضات صلح، متهم را برای محاکمه به وسیلهٔ هیئت منصفه در **دادگاه شاهی**، تسلیم خواهند کرد.

(ج) پرونده‌های جوانان و اطفال که رسیدگی به آن در جلسات ویژه و کمتر رسمی به نام دادگاه جوانان و اطفال انجام می‌پذیرد. برای تشکیل دادگاه اطفال، معمولاً باید سه قاضی صلح که یکی از آنها زن باشد حضور داشته باشند.

دادگاه شاهی دادگاه بالاتر بعدی در نظام قضایی است. در این دادگاه پرونده‌ها به وسیله قضات واجد شرایط تمام وقت یا قضات صلح نیمه وقت، و از طریق یک هیئت منصفه مورد رسیدگی واقع می‌شوند. پرونده‌هایی که در دادگاه شاهی استماع می‌شود بر چهار نوعند:

(الف) پرونده‌های شدید جزایی که برای محاکمه نیاز به هیئت منصفه دارند.

(ب) تجدید نظرخواهی مستند به مدارک و دلیل علیه حکم محکومیت در دادگاه صلح، یا علیه مجازات مقرر به وسیلهٔ دادگاه مذکور.

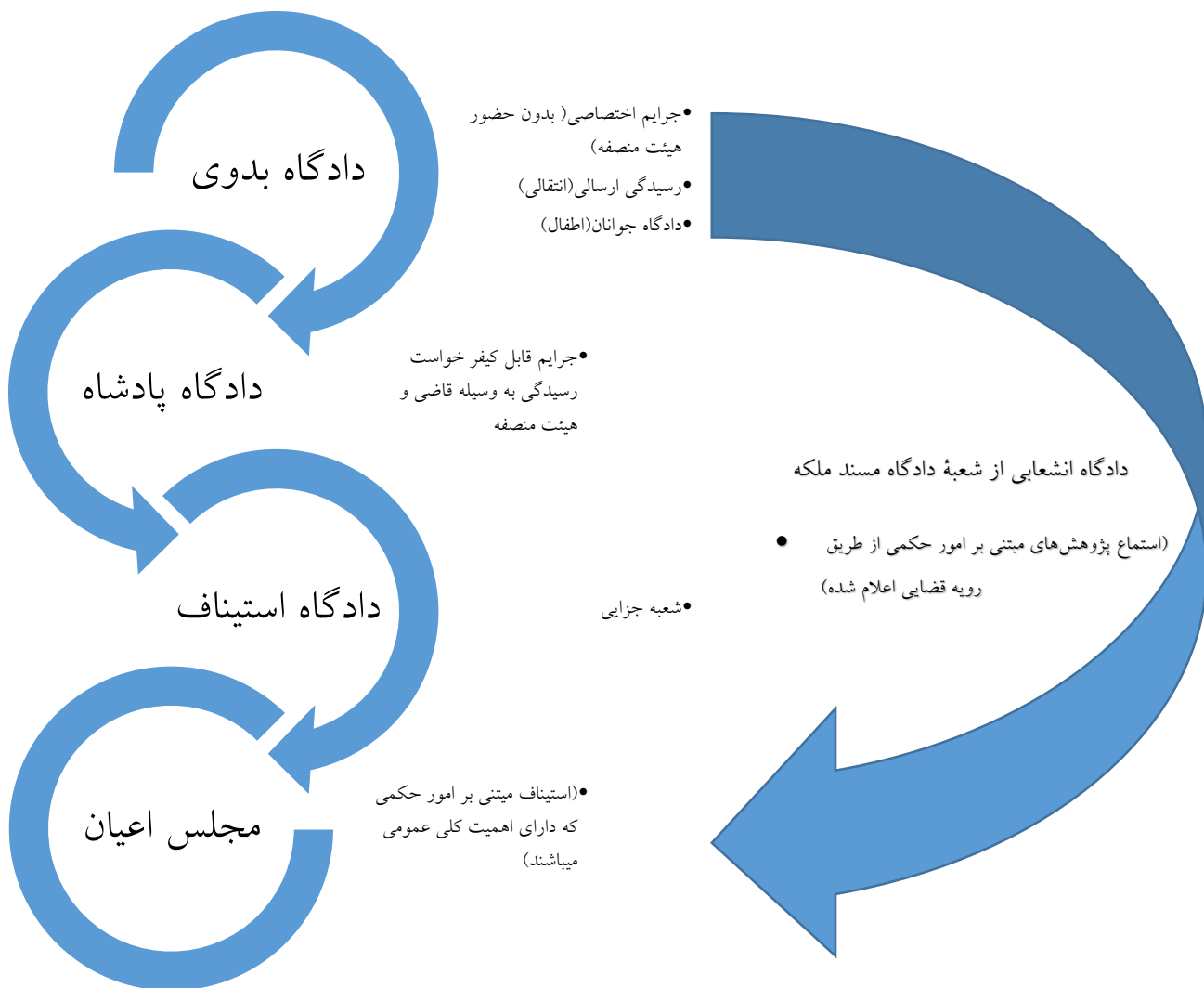
(ج) مجازات، در جایی که دادگاه صلح محکومیتی را صادر کرده، اما اختیار تحمیل مجازاتی را که مناسب می‌داند ندارد. (اموری که گاهی به وسیله رکوردر انجام می‌پذیرد).

(د) جرایم کوچک جزایی که در آن متهم حقیقتاً را (در دادگاه صلح) پیگیری کرده تا به وسیلهٔ هیئت منصفه مورد رسیدگی واقع شود.

در این زنجیره، دادگاه استیناف، دادگاه عالی بعدی است. این دادگاه یک شعبهٔ جزایی دارد که استیناف از ادله یا مجازات مقرر به وسیله دادگاه شاهی را استماع می‌کند. سه قاضی ارشد در دادگاه استیناف رأی صادر می‌کنند. (استیناف از آرای محاکم صلح و دادگاه‌های شاهی مبتنی بر امور حکمی است در دادگاه جداگانه‌ای به نام دادگاه انشعابی از دادگاه مسند ملکه) رسیدگی می‌شود).

عالی ترین دادگاه کشور مجلس اعیان می باشد که در آن از آرای دادگاه استیناف و دادگاه دیویژنال (انشعابی) پژوهش به عمل می آید. در این دادگاه پژوهش فقط زمانی مسموع خواهد بود که مبتنی بر یک نکته کلی حقوقی با اهمیت عمومی زیاد باشد. دو دادگاه پائین تر، در خصوص میزان اهمیت یک نکته تصمیم گرفته و بر این اساس پژوهش را تجویز با رد می کنند. همه اعضای مجلس اعیان به دعاوی رسیدگی نمی کنند. این مهم بر عهده لردهای حقوقدان (اعضای حقوقدان مجلس اعیان) است.

ساختار محاکم کیفری



نظام مدنی

دادگاه بخش پایین ترین دادگاه در نظام حقوقی است. در این دادگاه یک قاضی ریاست کرده و به تنهایی حکم می‌دهد.

دادگاه بخش صرفاً به تخلفات کوچک مدنی (محدودیت از نوع مالی است) رسیدگی می‌کند. با این حال دادگاه مذکور به موضوعات مهمتری در ارتباط با ملک، وصیتنامه‌ها و غیره نیز رسیدگی می‌کند. طلاق‌های رضایی در دادگاه بخش رسیدگی می‌شود و همچنین این دادگاه واجد اصول محاکمات دعاوی کم اهمیت (در مورد اختلافات مربوط به کالاهای معیوب و غیره) می‌باشد.

دادگاه عالی بعدی عبارت از دادگاه عالی عدالت است. این دادگاه در عمل متشکل از سه دادگاه است: شعبه مسند ملکه، (که قراردادهای، غفلت، تجاوز به ملک و غیره را صلاحیتی بیش از صلاحیت مالی دادگاه بخش مورد رسیدگی قرار می‌دهد)؛ شعبه خانواده؛ (که به طلاق‌های غیر رضایی و اختلافات پیچیده خانوادگی رسیدگی می‌کند)، و شعبه انصاف؛ (که به دعاوی ملک، وصیتنامه‌ها و غیره با صلاحیتی بیش از صلاحیت دادگاه بخش رسیدگی می‌نماید). علاوه بر آن، دادگاه عالی به پژوهش از {آرای صادره از} مراجع اداری - و نه صادره از دادگاه بخش - رسیدگی می‌نماید.

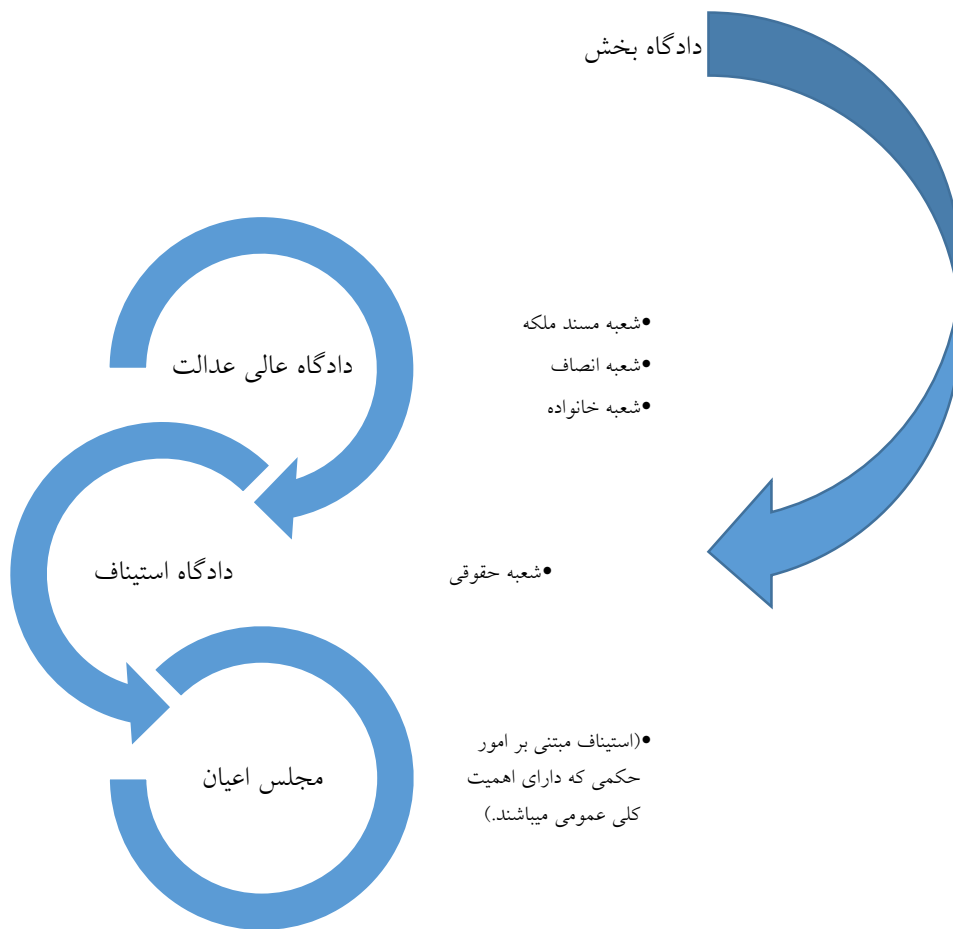
استیناف از {احکام} دادگاه بخش و دادگاه عالی در دادگاه استیناف استماع می‌شود و پژوهش‌خواهی از پرونده‌های دادگاه استیناف ممکن است بر اساس همان نظامی که در سیستم جزایی موجود است، به مجلس اعیان فرستاده شود.

مناصب افراد در دادگاه؟

در کلیه دادگاه‌ها، قضات عادی یا قضات صلح حضور دارند. اینان افرادی هستند که بر جریان رسیدگی ریاست داشته و گاهی حکم محکومیت صادر می‌کنند. قضات صلح ریاست محکمه ذیربط خویش را بر عهده داشته و به تنهایی جریان کار را هدایت می‌کنند. آنان ادله را ملاحظه و حکم صادر می‌نمایند. قضات صلح معمولاً به وسیله یک حقوقدان تعلیم دیده - منشی قاضی صلح - که در کنار دست آنان نشسته و در امور حکمی و آیین‌های دادرسی مفصل به آنان نظر مشورتی می‌دهد، معاضدت می‌شوند. علاوه بر آن، قاضی صلح، امور عمومی دفتر دادگاه را اداره می‌کند. قضات صلح سعی می‌کنند {رسیدگی} به پرونده‌های خود را غیر رسمی نگه دارند و حال و هوای رسیدگی در دادگاه آنان اغلب بسیار متفاوت با دادگاهی است که یک قاضی عادی ریاست آن را بر عهده دارد. همچنین قضات صلح مسئول مجازات هستند (مشروط بر اینکه برای مجازات نیازی به تجاوز از حدود اختیارات قانونی‌شان نباشند). آنها می‌توانند ادله مقدماتی را در رسیدگی ارجاعی استماع نمایند. علاوه بر آن می‌توانند مجرمین محکوم شده را برای مجازات به دادگاه شاهی بفرستند.

قضات عادی حقوقدانان واجد شرایطی هستند که به وسیله مهردار سلطنتی - که {از} اعضای عالی رتبه حرفه قضایی بوده و یک منصوب سیاسی می‌باشد - انتصاب می‌شوند. قضات عادی ممکن است از لحاظ تجربه و ارشدیت از یک رکوردر (یک قاضی نیمه وقت که در دادگاه شاهی رسیدگی می‌نماید)، به یک لرد حقوقدان (که در مجلس اعیان رسیدگی می‌نماید) تغییر یابند. باستانی قضاتی که در دادگاه شاهی هستند، کلیه قضات برای صدور حکم و وضع مجازات مسؤلیت دارند. قضات عادی هم در نظام حقوقی و هم در نظام جزایی ریاست تمامی دادگاه‌ها - بجز دادگاه صلح - را به عهده دارند.

ساختار محاکم حقوقی



در دادگاه شاهی، هیئت‌های منصفه رسیدگی را بر عهده دارند. هیئت‌های مذکور متشکل از دوازده تبعه بالغ بریتانیا می‌باشند که از فهرست دفتر ثبت منتخبین برای انجام خدماتی که هیئت منصفه ارائه می‌دهد، انتخاب می‌گردند. وظیفه آنها استماع ادله ارائه شده و امور حقوقی مطرح شده به وسیله قاضی می‌باشد. بنابراین آنان آنچه را که استماع کرده‌اند مورد رسیدگی قرار داده و تصمیم می‌گیرند که آیا تردید معقولی در مجرمیت متهم، وجود دارد یا خیر. اگر چنین تردیدی وجود داشته باشد آنها متهم را تبرئه می‌کنند و در غیر اینصورت او را محکوم می‌نمایند. در دادگاه شاهی هیئت منصفه حکم محکومیت را صادر می‌کند اما وضع مجازات بر عهده قضات است. در نظام مدنی (که ارتباطی به جرایم علیه منافع عمومی ندارد) هیچ هیئت منصفه‌ای وجود ندارد. اعضای عادی و غیر متخصص هیئت منصفه همچون قضات صلح می‌توانند در جرایمی که علیه جامعه است به عنوان نمایندگان جامعه، محسوب شوند.

وکلاء و مشاورین حقوقی هر چند هر کدام متفاوت از دیگری آموزش می‌بینند {ولی هر دو} حقوقدانان آموزش دیده محسوب می‌شوند. مشاورین حقوقی، حقوقدانان عمومی هستند که بیشتر کارهایشان را خارج از دادگاه انجام می‌دهند (برای مثال، وصیتنامه‌ها، انتقال خانه و غیره). آنها وکالت موکلانشان را تنها در دو دادگاه پائین تر (دادگاه صلح و بخش) می‌توانند بر عهده داشته باشند. یک نوع خاص از مشاور حقوقی، "مشاور حقوقی پلیس" است که برای طرح ادعای پلیس علیه متهم در دادگاه حاضر می‌شود. در صورتی که پرونده در هر یک از دو نظام حقوقی و جزایی به دادگاه بالاتر برود، باید یک وکیل منتصب شود. وکلاء حقوقدانانی هستند که به طور خاص برای طرح پرونده‌ها در دادگاه آموزش می‌بینند و بسته به اینکه چه کسی آنان را وکیل قرار دهد، تعقیب/اقامه دعوی یا دفاع می‌نمایند. آحاد مردم نمی‌توانند مستقیماً وکیل استخدام نمایند. وکلاء بایستی به وسیله یک مشاور حقوقی استخدام یا از جریان امر آگاه شوند. قضات از این میان وکلاء به مشاور هم معروفند انتصاب می‌شوند. یک وکیل موفق ممکن است به توصیه مهرداد سلطنتی، یک کیوسی (مشاور حقوقی ملکه) بشود. مشاورین حقوقی ملکه، گاه به جهت لباس مخصوصشان "بریشم" نامیده می‌شوند. علاوه بر آن آنان به "هدایت کننده" هم معروفند، زیرا هیچ مشاور ملکه‌ای نمی‌تواند به تنهایی از یک پرونده دفاع کند {بلکه} باید یک "کارآموز وکالت" یا یک "وکیل غیر مشاور" را راهنمایی نماید.

گواهان ممکن است به وسیله هر یک از اصحاب دعوی و در هر نوع پرونده‌ای احضار شوند. آنها ممکن است عامه مردم یا افراد پلیس و در حقیقت هر شخصی باشند. وظیفه آنان، گواهی توأم با قسم، از طریق پاسخ به پرسشهایی است که وکلاء، قاضی صلح یا قاضی عادی برای آنها مطرح می‌کنند. سوگند (یا هر نوع اظهار معادل آن)، تعهدی برای اظهار کامل حقیقت و نگفتن دروغ است. قسم دروغ بعنوان شهادت کذب شناخته می‌شود. از آنجا که قسم دروغ تلاشی برای تحریف عدالت است {لذا} جرمی است علیه جامعه و بنابراین یک تخلف جزایی می‌باشد. شاهد ممکن است به جهت {داشتن} اطلاعات خاصی در مورد حادثه، پرونده یا متهم احضار شود. متهم نیز می‌تواند بعنوان گواه در دفاع خود حاضر شود. در صورتی که گواهان در دادگاه حضور به هم نرسانند قانون می‌تواند آنان را به انجام چنین کاری (حضور در دادگاه) الزام کند.

مطبوعات و عموم مردم حق حضور و نظاره بر جریان رسیدگی دادگاه را دارند مگر اینکه دادگاه بدون حضور آنها تشکیل شود یا محاکمه سری باشد. (در جلسه غیر علنی). مردم و مطبوعات بخاطر مناسبات خانوادگی، دوستی یا علائق عمومی یا حرفه‌ای در دادگاه حضور دارند. مطبوعات در اغلب پرونده‌ها در معرض محدودیت‌های خبری (که خود بخود لازم‌الاجراست) قرار دارند. این محدودیت‌ها را جز با توافق هر دو طرف دعوی نمی‌توان از میان برداشت.

چند ملیت‌ها

اصطلاح «چند ملیتی» برای شرکت‌هایی که دارای شعبات یا مراکز فروشی در سرتاسر دنیا هستند، بکار گرفته می‌شود. اصطلاح دیگر برای این نوع مؤسسات تجاری، «شرکت جهانی» می‌باشد. اکثر این سازمان‌های غول پیکر نام‌های خانگی {خودمانی} دارند همچون کوکاکولا، هینز، سونی، هیتاچی، آی‌بی‌ام، آکرو و جنرال موتورز. اینگونه شرکتها مقادیر قابل توجهی از سرمایه را کنترل نموده و در کشورهایی با اختلاف فاحش در سیستم سیاسی و اقتصادی، به فعالیت می‌پردازند.

با نگاهی به تاریخ گذشته، می‌توان دو دلیل اصلی برای توسعه شرکت‌های چند ملیتی پیدا نمود. اولاً، وقتی که شرکتها متوجه شدند که بازارهای داخلی آنها اشباع گردیده است، دریافتند که صرفاً از طریق برپایی شعبات خارجی می‌توانند جلب منفعت بیشتر نمود. ثانیاً، اگر کشوری در مقابل تولیدات این شرکتها موانع تجاری - معمولاً تعرفه‌ها یا عوارض گمرکی - ایجاد می‌نمود، تنها چاره برای شرکت احداث کارخانه یا سازمانهای فروش در داخل کشور مربوطه بود.

اخیراً، پیشرفت اقتصادی سالهای ۱۹۶۰ منجر به رشد سریع این سرمایه‌داران جهانی گردیده است. در کشورهای کاملاً صنعتی، افزایش درآمدها، {علت} جذب شرکت‌های چند ملیتی بوده است. در کشورهای در حال توسعه دسترسی به نیروی کار ارزان، بسیاری از شرکتها را تحریک به ساخت کارخانجات جدید و مراکز مونتاژ نموده است.

اوایل، اغلب کشورها استقبال شایانی از شرکت‌های چند ملیتی نمودند زیرا تصور می‌کردند که با چنین سرمایه‌گذاری خارجی نیاز مبرم به کار برطرف می‌شود، بطور کلی صنعت رونق می‌گیرد و احتمالاً در صورت صادرات محصولات شرکت به خارج، ارز خارجی وصول می‌شود. اما اخیراً جریان‌ات علیه شرکت‌های چند ملیتی تغییر مسیر داده‌اند. در حال حاضر به شرکت‌های مذکور با شک و تردید زیادی نگرسته می‌شود. آنها که روزگاری فرشتگان نجات محسوب می‌شدند اکنون در صحنه‌های بین‌المللی شیاد تلقی می‌شوند.

به دلایل مشروحه زیر، کشورهای میزبان در حال حاضر فعالیت میهمانان خود یعنی چند ملیت‌ها را محدود می‌کنند. اکثر کشورهای در حال توسعه، تنها در صورتی اجازه سرمایه‌گذاری جدید را می‌دهند که به شکل مشارکت باشد. این بدان معنی است که سرمایه‌داران بومی یا مؤسسات دولتی می‌بایست در مالکیت و حتی اداره و مدیریت این شرکتها مشارکت داشته باشند. برخی دیگر از کشورها همچون هند و نیجریه، شرکت‌های خارجی از پیش شناخته شده را مجبور به کاهش سهام خود تا درصد معینی مثلاً ۶۰ یا ۴۰ درصد کل سرمایه شرکت می‌کنند.

تلاش‌های گوناگونی در سطح بین‌المللی برای تنظیم فعالیت شرکت‌های چند ملیتی صورت پذیرفته است که شایسته ترین آنها دستورالعمل سازمان تعاون و توسعه اقتصادی (اُاسد) در خصوص شرکت‌های چند ملیتی است: {دستورالعمل} مذکور نوعی کتابچه راهنما است که چگونگی رفتار شرکتها در جامعه را توضیح می‌دهد. دستورالعمل مذکور اختیاری بوده و ضمانت اجرای قانونی ندارد.

در اغلب موارد بحران میان کشورهای میزبان و شرکتهای چند ملیتی اجتناب ناپذیر است، چه آنکه وجود شرکتهای مذکور تهدیدی علیه حاکمیت و اقتدار ملی محسوب می شود.

شرکت چند ملیتی عظیم و ثروتمند است و معمولاً در صناعی که ورود به آن صعب بوده و حائز اهمیت حیاتی است همچون، صنایع کامپیوتر، شیمیایی و اتومبیل به فعالیت می پردازد. مهمتر از همه، هدف اصلی شرکت چند ملیتی عبارت از این است که فعالیتهايش را در سراسر جهان سازماندهی کند تا سهم خود را از منافع و بازار جهانی به حداکثر برساند. هر شعبه شرکت چند ملیتی قسمتی از یک شبکه بین المللی از شعب فرعی است. تمامی این شعب برای هم کار متقابل انجام می دهند. هر بخش به تمامی قسمتها سرویس می دهد. کنترل مرکزی شبکه - اداره مرکزی شرکت چند ملیتی - تحت کنترل کشور میزبان نمی باشد. اداره مذکور غالباً هزاران مایل دورتر از این شعب قرار گرفته است.

جهت تشریح اصل تأثیر و تأثر متقابل بین شعب فرعی باید مثالی از شرکت کانادایی مسی فرگوسن زد. این شرکت قادر به ساخت تراکتور در ایالات متحده جهت فروش در کانادا می باشد. تراکتور که متشکل از موتور انگلیسی، محور انتقال فرانسوی، و محور چرخ مکزیک می باشد که کلاً محصولات شعب (شرکتهای فرعی) می باشند. آی بی ام شرکت دیگری است که دارای قلمرو فعالیت بین المللی می باشد. یک نوع کامپیوتر سری-۳۶۰ ممکن است در برگیرنده اجزایی از چهار یا پنج کشور باشد.

اجازه دهید برای نشان دادن اینکه یک شرکت چند ملیتی چگونه بصورت بین المللی برنامه ریزی کرده و فعالیت می کند، پرونده اس کی اف را که یک تولیدکننده سوئدی بلبرینگ است در نظر بگیریم. هنگامیکه اس کی اف در سال ۱۹۶۵ شعبه ایتالیایی خود آرای وی را تحویل گرفت، آرای وی کاملاً به بازار ایتالیا وابسته بود. این شعبه به دلیل تخمین اغراق آمیز تقاضا برای محصولاتش در شرف اضمحلال بود و بدلیل ظرفیت بیش از حد تولید، ضرر می کرد. اس کی اف بلافاصله شروع به رساندن کار از طریق سفارشات صادراتی نمود و اینکار را تا تنظیم مجدد بازارهای داخلی ادامه داد. در نتیجه آرای وی بر روی بازار داخلی تمرکز کرد و بدینسان سفارشات صادراتی کاهش پیدا نمود.

در سالهای اخیر حکومتها بطور فزاینده ای خود را ملزم به بررسی این نکته کرده اند که آیا شرکتهای چند ملیتی به منافع ملی آنان ضرر می رسانند یا خیر. در کشورهای کاملاً صنعتی یک منبع بزرگ نگرانی این بوده است که این هیولاهای خارجی جانشین شرکتهای کوچکتر شده و بتدریج یک صنعت مهم را تحت کنترل در خواهند آورد. در صورتی که چنین امری به وقوع بپیوندد، ممکن است تصمیماتی که منافع اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می دهد در هیئت مدیره های اتخاذ گردند که هزاران مایل دور از کشور می باشند.

خطر این نوع تسلط با مثال بحث انگیزی از تحویل گرفتن شرکتی بوسیله شرکت بزرگتر در فرانسه رخ داد به خوبی تشریح می شود. در سال ۱۹۶۶، ۶۶ درصد از سهام شرکت کامپیوتر فرانسه - ماشینزبال - بوسیله جنرال الکتریک خریداری شده بود؛ این در حقیقت بدان معنی بود که فرانسه بیش از این صنعت کامپیوتر خود را در اختیار نخواهد داشت. لذا دولت فرانسه احساس کرد که باید مبادرت به ایجاد مجموعه اطلاعاتی و امور رایانه ای مخصوص بخود که در مشارکت نزدیک، با شرکت آلمانی زیمنس و شرکت هلندی فیلیپس بود، نماید.

بدون تردید، زمانیکه دولتها احساس بنمایند تصمیماتی که برنامه ریزی ها و استخدام را در کشورهايشان تحت تأثیر قرار می دهد از طریق کنترل خارجی اتخاذ شده است ناخشنود می شوند. علاوه بر آن ملتها اغلب زمانیکه مجبور به معامله با افرادی باشند که از مرکز تصمیم گیری خارجی آمورفرمان می گیرند احساس می کنند که قدرت معاملاتی شان تضعیف شده است.

کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً نگران وابستگی‌شان به سرمایه‌گذاری خارجی در بخشهای کلیدی اقتصادهایشان شده‌اند. کشورهای مذکور متوجه شده‌اند که شعب شرکتهای خارجی اغلب بیشتر سودشان را بجای سرمایه‌گذاری مجدد در شرکت، از کشور خارج می‌کنند. گاهی جریان سرمایه‌ها باعث می‌شود، تغییر و تحولات فاجعه‌آمیزی در نرخ تسعیر اعتبارات آنها بوجود آید. کشورهای خاصی، شرکتهای چند ملیتی را به اعمال نفوذ سیاسی متهم کرده‌اند. پرونده قدیمی در ایم مورد مشخصاً دخالت آی تی تی (شرکت تلگراف و تلفن‌های بین‌المللی) در امور سیاسی شیلی است. این شرکت عظیم که در همه امور صنعتی و فعالیتهای بنکی دخالت دارد آماده تلاشهای مالی جهت سرنگون ساختن حکومت مارکسیستی رهبر کمونیست شیلی - سالوادور آلنده - بود.

برخی از ممالک، آنگونه که پیشتر ذکر شد، برای تحصیل کنترل بیشتر بر صنایع خویش شروع به پافشاری بر معاملات و مخاطرات مشترک می‌نمایند. عدم کارایی این راه کار بدین جهت است که شرکتهای فرعی خارجی ممکن است بواسطه کمک فنی و سرمایه‌گذاری شرکت مادر با رفتار نامساعدی از سوی شرکت مذکور مواجه گردند.

راهکار دیگری که بوسیله دولتها بکار گرفته شده است تحدید میزان سودی است که یک شرکت فرعی خارجی در یک مدت معین می‌تواند به کشور خویش بازگرداند.

منتقدین در مقام استدلال در برابر شرکتهای چند ملیتی با صدای بلند می‌گویند که این سازمانها در فعالیتهای غیر رقابتی درگیر می‌شوند، بطور غیر مسؤولانه‌ای برنامه ریزی‌ها را به تعطیلی می‌کشانند، رشوه‌های کلان جهت انعقاد قرارداد می‌دهند، از طریق سیاست اعمال نفوذ می‌کنند، پول رایج را متزلزل و کم ارزش می‌کنند، حقوق کارگزارانشان را نمی‌پردازند و غیره. آنهائیکه در دفاع از شرکتهای مذکور سخن میرانند معتقدند این شرکتهای تقریباً به عنوان کارگزاران بین‌المللی محسوب می‌شوند، صلح را تشویق می‌نمایند، تولید را بهینه می‌نمایند، محصولات ارزان قیمت تر ارائه می‌کنند و برای کشور میزبان منابع مورد نیاز مبرم، کارشناسی و استخدام را ارمغان می‌آورند.

پایان

منبع

ترجمه کامل کتاب Law Texts (ترجمه دکتر اسماعیل صغیری)

سال تحصیلی

۱۳۹۳-۱۳۹۴

استاد

آقای دکتر امیر حسین نوریان

ویراستار

رسول رأفتی اهری